

تحلیل پیش‌انگاره‌های معرفتی و غیرمعرفتی رفتار در اندیشه فخر رازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲

هاشم قربانی^۱

فرشته ابوالحسنی نیارکی^۲

چکیده

در این جستار، تحلیل فخر رازی از فرآیند صدور رفتار (فعل) بررسی می‌شود. رازی رفتار انسان را نه به صورت تک‌عاملی، بلکه در بافتاری ترکیب‌یافته از مؤلفه‌های مختلف تحلیل می‌کند. بر پایه نظر رازی، رفتار برآیندی است از پیش‌انگاره‌هایی معرفتی و غیرمعرفتی؛ آگاهی مهم‌ترین ایده‌ای است که او در پیش‌انگاره‌های معرفتی تحلیل می‌کند. رازی آگاهی را به مثابه داعی فعل بررسی می‌کند و بسیاری از مؤثرات همچون اراده و مصلحت و مفسدت را بدان ارجاع می‌دهد. در تعریف رازی، داعی به عنوان آگاهی انسان به وجود لذت، خیر، کمال و سرور در فعل صورت‌بندی می‌شود. در این مقاله گذشته از تحلیل این تعریف، جایگاه عقل عملی در این آگاهی و چگونگی بهره‌وری آن از عقل نظری ترسیم شده است. بازشناسایی تلقی رازی از جایگاه پیش‌انگاره‌های غیرمعرفتی در صدور فعل در دو سطح کلامی و فراکلامی صورت‌بندی شده است. در سطح کلامی، خداباوری و خواست خدا، و در سطح فراکلامی، اختلاف ماهوی نفوس انسانی، مؤثرات معرفت‌شناختی، بافتار اجتماعی، فضای فرهنگی و گروه‌های همسالان و همکاران، ساختار بدنی و مزاجی، تغذیه، محیط و نیز مسئله درونی‌سازی به عنوان زمینه‌های مهم در ایجاد و شکل‌دهی آگاهی و صدور رفتار تحلیل شده‌اند. نظریه رازی آگاهی را همواره در صدور فعل حفظ می‌کند و بر آن است که مؤلفه‌های غیرمعرفتی در آگاهی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه نزدیک بر صدور فعل تاثیرگذارند و بنابراین حیثیت جان‌نشین‌پذیری طردکننده نسبت به یکدیگر ندارند.

کلیدواژه‌ها

فخر رازی، فعل ارادی، رفتار، داعی، آگاهی، مؤلفه‌های غیرمعرفتی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

(qorbani@isr.ikiu.ac.ir)

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. (f.abolhasani@umz.ac.ir)

۱. مقدمه

اندیشمندان مسلمان برای تحقق افعال انسان پیش‌انگاره‌های^۱ معرفتی و غیرمعرفتی لحاظ می‌کردند. فخر رازی تحلیل‌هایی در مورد رفتار و زمینه‌های صدور آن انجام داده که شناسایی و تحلیل آنها می‌تواند جایگاه رازی در این زمینه را مشخص سازد. همچنین این شناسایی زمینه‌ساز پژوهش‌هایی با رویکرد مقایسه‌ای نیز خواهد بود. نظریه‌سازی‌های مختلفی امروزه درباره عوامل رفتار طراحی می‌شود. این عوامل را می‌توان به سه قلمرو کلی درون‌انسانی، برون‌انسانی و عوامل معطوف به تعاطی و تعامل درون و برون تقسیم کرد (کیلن ۱۳۸۹، ۱: ۴۰). نظریات تعاملی در انتخاب و تأکید بر عوامل متفاوت‌اند. عوامل درونی مؤلفه‌هایی نظیر شناخت، هیجانات و عواطف، انگیزش‌ها، عوامل بیولوژیکی مانند مغز و فعالیت‌های هورمونی انسان، ژنتیک و وراثت، جنسیت، سرشت و فطرت و غرایز هستند. از عوامل برونی می‌توان به جامعه و آداب و رسوم، فرهنگ، والدین، همسالان، قومیت اجتماعی و ادیان و مذاهب اشاره کرد. میزان تأثیرگذاری عوامل مختلف است. این تحلیل در پیش‌زمینه‌های صدور فعل می‌تواند زمینه‌ساز سؤال از تصویرسازی رازی و انطباق‌پذیری و وجه جامعیت رازی باشد. رویکرد اندیشمندان مسلمان بیشتر ناظر بر شناخت و فعالیت‌های عقلانی است. شناخت مهم‌ترین عامل رفتار و به ویژه رفتارهای اخلاقی معرفی می‌شود و با شناخت است که انسان توان تصمیم‌گیری و صدور فعل و بازشناسی خیر از شر و التزام عملی بدان را پیدا می‌کند؛ بدین سان رفتار و به ویژه رفتار اخلاقی تابعی است از شناخت، تأمل و عقل. در این جستار، تلاش می‌شود تصویرسازی رازی از پیش‌انگاره‌های معرفتی و غیرمعرفتی رفتار طراحی شود. تحلیل عوامل صدور رفتار در بازنمایی عوامل رفتار اخلاقی مؤثر است. این بازطراحی می‌تواند درباره نوع مواجهه رازی با رشد اخلاقی و تحولات و زمینه‌های آن مفید باشد. از این رو سؤالات پژوهش حاضر اینها است: رازی چه تحلیلی از پیش‌انگاره‌های معرفتی فعل اراده می‌دهد؟ جایگاه عوامل دیگر نظیر جامعه، سرشت و ژنتیک، هورمون‌ها و مدارهای مغزی و مزاج و... به عنوان عوامل غیرمعرفتی صدور رفتار در تصویرسازی رازی چیست؟ تحلیل رازی از تأثیر عوامل غیرمعرفتی بر صدور رفتار از انسان در چه جایگاهی قرار دارد؟ آیا آنها را در کنار آگاهی تحلیل می‌کند یا نگاه زمینه‌ساز پیدایش آگاهی به آنها دارد؟ در این مقاله نشان

داده می‌شود که آگاهی در تحلیل رازی بنیاد صدور فعل است، اما مؤثرات معرفتی و زمینه‌های غیرمعرفتی فراوانی در ایجاد آگاهی دخیل‌اند، و از این رو تحلیل او، با توجه به الگوی ویژه‌ای که مبتنی بر حفظ آگاهی و عدم غفلت از تحلیل‌های غیرمعرفتی است، سهم ممتازی نسبت به تحلیل‌های رقیب دارد.

۲. فرآیند صدور فعل ارادی

رازی (۱۴۲۰، ۱۹: ۸۶) صدور فعل ارادی انسان را در فرآیندی چهار-مرحله‌ای تحلیل می‌کند: (۱) آگاهی به منفعت و ملائمت فعل، (۲) میل جازم، (۳) اراده، (۴) سلامت اعضا و قدرت بر انجام فعل.^۲ در المطالب این چهار مرحله را بدین صورت آورده است: (۱) قدرت و سلامت اعضا، (۲) اجماع درونی جازم بر حصول فعل، (۳) میل بر منفعت یا لذت، (۴) تصور و آگاهی (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۴۰-۴۱). او از این چهارگانه به عنوان مراتب چهارگانه نزدیک به فعل یاد می‌کند. این امر اهمیت زیادی در تحلیل صدور فعل دارد و نقش بسیاری از عوامل دیگر را گشوده نگه می‌دارد. مبادی علمی این فرآیند، که ناظر بر مرحله نخست تحلیل رازی است، عمدتاً بر اساس تصور مطلوب و تصدیق به فایده در میان اندیشمندان مسلمان طراحی می‌شود (ملاصدرا ۱۳۸۳، ۲: ۲۷۳؛ ۴: ۱۱؛ ۶: ۳۵۵). بر اساس این تصویر، شناخت و آگاهی عامل نخست فعل ارادی است. رازی این فرآیند را لزومی، ضروری، طبیعی، ذاتی و عقلی می‌داند (رازی ۱۴۲۰، ۱: ۸۷؛ رازی ۱۴۰۷، ۹: ۴۳). او می‌گوید: هر گاه آگاهی بر هم‌سازگاری فعل حاصل شود، انسان خواستار آن می‌شود و در صورت سلامت قوای عضلانی و وجود قدرت، فعل متحقق می‌شود (رازی ۱۴۲۰، ۱: ۸۸). انسان آن هنگام فعلی را محقق می‌کند که اعتقاد داشته باشد در آن خیری وجود دارد (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۳۹). فعل انسان هم‌سرخ با آگاهی و میل و اراده انسان است، و میل و اراده او نیز هم‌سازگار با آگاهی است. رازی عامل ایجاد اراده بر فعل را آگاهی انسان مبنی بر وجود لذت و منفعت در فعل می‌داند (رازی ۱۴۲۰، ۱: ۸۷؛ رازی ۱۴۰۶، ۷۶). در حوزه روان‌شناسی، انگیزه بنیاد رفتار را شکل می‌دهد و جهت و چگونگی آن را تعیین می‌کند. بنا بر تحلیل رازی، آگاهی عامل صدور رفتار است، که میل جازم و اراده از لوازم آن هستند و گونه‌ای همپوشانی و درهم‌تنیدگی وجود دارد. اراده از لوازم آگاهی انسان مبنی بر

بهره‌مندی فعل از لذت و منفعت است (رازی ۱۴۲۰، ۱: ۸۸). این مسئله و نیز اخذ عبارت ترتب لزومی و طبیعی، در ظاهر، نشان از تقلیل‌گرایی صدور فعل از انسان دارد؛ زیرا آگاهی را عامل فراگیر و همه‌جانبه صدور فعل نمی‌توان قلمداد کرد. عوامل دیگری نظیر عشق‌ورزی، فطرت، مؤلفه‌های انگیزشی، تیپ شخصیتی، بافت اجتماعی و ژنتیک و... نیز در کنار آگاهی در صدور فعل ارادی و اخلاقی نقش دارند. می‌توان ادعا کرد تصویرسازی انسان در مرحله آگاهی از فعل متأثر از این عوامل است. این مسئله در پی آن است که آگاهی چگونه حاصل می‌شود؟ تأثیرپذیری تصور از قوه خیال، احاطه هیجانات روانی یک‌جانبه نگرانه بر انسان، ضمیر خطاناک یا پاک‌سیرت، گونه‌شناسی مؤلفه‌های روان‌شناسی انسان، گروه‌های همسالان، خانواده و بافتارهای اجتماعی و ژنتیک و... نشان می‌دهد صدور یک فعل محصول تعامل بسیاری از مؤثرات است. رازی آگاهی و فرآیند چهار-مرحله‌ای را، به دلیل تأثیر بسیاری از عوامل در ایجاد آگاهی، مراتب نزدیک به فعل می‌نامد. او از آگاهی به منفعت و هم‌سازگاری فعل می‌نویسد؛ این منفعت و هم‌سازگاری در صورت تشدید آگاهی به آنها، میل یا شوق جازمی در انسان جهت تحقق فعل ایجاد می‌کند.

۳. تحلیل آگاهی به مثابه داعی

آگاهی در اندیشه رازی مهم‌ترین وجه فرآیند صدور فعل است؛ آگاهی به منفعت و ملائمت. این امر رازی را در زمره اندیشمندان نتیجه‌گرا در ساحت صدور فعل ارادی قرار می‌دهد؛ زیرا توجه به فایده یا منفعت و آگاهی از آن موجب ایجاد شوق و نهایتاً تحقق فعل می‌شود. رازی معتقد است صدور فعل ارادی برآیند مجموع قدرت و داعی است (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۱۰، ۷۳، ۱۰۰، ۳۰۳؛ ۴: ۷۸؛ ۹: ۲۳؛ رازی ۱۹۸۶، ۱: ۲۰۵؛ رازی ۱۴۲۰، ۱: ۲۳۲؛ ۱۴: ۲۲۸). مجموع قدرت و داعی معین مستلزم حصول فعل است و مراد از «مستلزم» قدر مشترک میان سبب معد یا سبب مؤثر فعل است. منظور رازی از قدرت آن است که اعضای انسان به گونه‌ای باشد که در صورت وجود داعی فعل تحقق یابد (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۷۳). مبدأ قدرت به معنای حالتی است که در صورت وجود اراده فعل صادر شود (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۴۱۵). وی در المطالب از تعبیر بنیه سالم و مزاج صحیح استفاده

می‌کند (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۴۰). پیش از صدور فعل، حالت اقتضاکننده ترجیح فعل در انسان حاصل می‌شود که رازی در باب چپستی آن با توجه به داعی سخن می‌گوید (رازی ۱۹۸۶، ۱: ۲۰۵). با نقد دلایل «تحقق فعل بدون داعی»، او وجود داعی صدور فعل را ضروری می‌داند (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۳۷-۵۴؛ ۱۴۲۰، ۳: ۴۶۳، ۵۱۳).

سؤال این است که داعی چیست؟ رازی داعی را همان آگاهی تحلیل می‌کند و این آگاهی را در سه سطح علمی، ظنی و اعتقادی در نظر می‌گیرد. «داعی فعل آن است که انسان آگاهی (علم/ظن/اعتقاد) داشته باشد که در یک فعل ویژه مصلحت راجح یا منفعت زائد در کار است» (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۹، ۲۱، ۲۴، ۳۱، ۱۴۲۰، ۳: ۶۲، ۶۳؛ ۴: ۷، ۱۳: ۱۱۱، ۱۳۲، ۱۳۷؛ ۲۴: ۵۴۱). با وجود این سه‌گانه معرفتی، طلب و میل جازمی در انسان به وجود می‌آید که در صورت سلامت اعضا فعل صادر می‌شود. بدین سان، ایجاد حالت مقتضی رجحان برآیند آگاهی (علم، ظن، اعتقاد) بر اشمال فعل بر نفع زاید است (رازی ۱۹۸۶، ۱: ۲۰۵؛ ۱۴۲۰، ۴: ۷). بر پایه تحلیل رازی، داعی از جنس تصورات نیست، بلکه از سنخ تصدیقات است؛ زیرا تا زمانی که ذهن بر شمولیت یک فعل بر نفع زاید حکم نکند، داعی بر فعل حاصل نمی‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۱۳).

درباره علت «داعی» نامیدن آگاهی‌های سه‌گانه، رازی به تناسب و ارتباط آگاهی انسان از خیر در فعل خاص با داعی اشاره می‌کند و آگاهی بر وجود خیر را داعی بر فعل معرفی می‌کند. بر پایه سخن رازی، این داعی در اندیشه فیلسوفان علت غایی یا علت تامه نامیده می‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۳۹).

باورهای انسان طیف وسیعی دارد: باور توهمی، باور مبتنی بر جهل مرکب، باور ظنی، باور یقینی، باور اعتقادی. منظور رازی از سه‌گانه علم، ظن و اعتقاد نیز مبتنی بر تقسیم‌بندی او از تصدیق یا اعتقادات است. علم یقین منطقی (باور صادق موجب) است؛ ظن حالت ادراکی غیرجزم راجح است و مانع از نقیض نیست؛ و اعتقاد باور صادق غیرموجب است (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۳۴۴، ۳۴۵؛ ۲: ۲۴۲؛ ۱۴۰۷، ۴: ۱۱).

داعی اقسام گوناگونی دارد. جدول ۱ بیانگر انواع طبقه‌بندی‌های داعی در اندیشه رازی

است:

جدول ۱. طبقه‌بندی انواع داعی

۱	(۱) داعی واحد (اخلاص)، (۲) دو داعی مستقل بر فعل واحد (توافق)، (۳) لحاظ مجموع استقلالی دو یا چند داعی بر فعل (مشارکت)؛ و (۴) لحاظ استقلالی یک داعی و حالت معاضدت داعی دیگر (معاونت) (رازی ۱۴۲۰، ۴: ۷)
۲	(۱) داعی حاجت: آگاهی بر منفعت و مصلحت در صورتی که انسان آنها را برای خود لحاظ کند داعی حاجت است. (۲) داعی احسان: در صورتی که برای غیر لحاظ شود (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۶۵).
۳	(۱) داعی شهوت: در صورتی که حصول منفعت و دفع ضرر برای خود فاعل باشد. (۲) داعی حکمت: در صورتی که ایصال منفعت به دیگری یا دفع ضرر از دیگری باشد (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۲۷۹).
۴	(۱) داعی رحمانی: (هر آنچه انسان را به سعادت‌مندی روحانی فراخواند)؛ (۲) داعی شیطانی: (آنچه انسان را به بهره‌مندی بی‌معیار از لذات این‌جهانی دعوت کند) (رازی ۱۴۰۷، ۷: ۳۳۱).
۵	(۱) برخی از آنها در قلب به ایقاع انسان حاصل می‌شود، و برخی (۲) به تخلیق خداوند تعالی ایجاد می‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۶۱)
۶	(۱) داعی کلی و (۲) جزئی نکته: داعی کلی بدون انضمام دواعی جزئی مصدر فعل نمی‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۶۲).
۷	(۱) گاه انسان نسبت به مصلحت موجود در تحقق فعل خلوص تام و فراگیر دارد؛ (۲) گاه نیز این خلوص و تمامیت در کار نیست که در این صورت فاعل، در نسبت به ارجحیت حاصل از فعل، نسبت به انجام آن اقدام می‌کند (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۲۵)
۸	(۱) پایداری آگاهی نسبت به مصلحت فعل (صدور آن فعل به مثابه امری پایدار در زیست انسان) یا (۲) تغییر در آگاهی (به اضطراب انسان در انجام دادن یا ندادن فعل) ^۳ (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۲۷، ۲۸).

در طبقه‌بندی بر اساس پایداری و تغییر در آگاهی، رازی از آمدوشد عقل آدمی در سنجش میزان مصلحت و مفسدت فعل سخن می‌گوید و معتقد است به هر میزان که وقوف عقل نسبت به مصلحت‌ها و مفسدت‌های موجود در فعل بیشتر باشد، حیرت و اضطراب او نیز بیشتر می‌شود. او معتقد است پدیده‌های این عالم یک‌بعدی و بسیط نیست که در کمترین

مواجهه‌ای بتوان آنها را تشخیص داد، بلکه درهم‌پیچیده و چندلایه و دارای احوالات مختلف هستند (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۳۱). او پایداری انسان نسبت به عمل ویژه‌ای را برحسب اختلاف نفوس تحلیل می‌کند. در برخی انسان‌ها پایداری در انجام کار افاده‌کننده حالت عاطفی و تعاطی امیال است، و در برخی دیگر مداومت بر آن منجر بر ملالت و ناپویایی می‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۳۱). این ناپایداری و اضطراب، در صورتی که داعی بر فعل مصبوغ به اغراض این‌جهانی باشد، افزایش می‌یابد؛ چرا که منافع این‌جهانی متغیر و تبدیل‌پذیرند. و با توجه به این که فعل برآیند داعی است، داعی رنگی متعلق به اغراض این‌جهانی به خود دیده است و با توجه به تغییرپذیری آن تغییر در فرآیند صدور فعل و از جمله در میل و رغبت اتفاق می‌افتد. و ای بسا انسان در حالت تردید و حیرت بین دو داعی معارض درگیر باشد. اما کسی که مطلوب او خیرات پایدار و کسب سعادات روحانی باشد، استواری و پایداری را در درون خود به دلیل متعلق‌های واقعی-اخلاقی خواهد داشت. از این رو، مؤمنان با عباراتی نظیر «يَبْتَئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» (ابراهیم: ۲۷)، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)، «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» (فجر: ۲۶) توصیف می‌شوند (رازی ۱۴۲۰، ۱۱: ۲۴۹).

در المطالب العالیه، او تلاش دارد برخی مؤلفه‌ها را به عامل آگاهی ارجاع دهد و آنها را داعی لحاظ نمی‌کند. از جمله این عوامل که با رویکرد انتقادی رازی مواجه شده است می‌توان به اینها اشاره کرد: منفعت و مصلحت، وعده‌ها و وعیدهای الهی، شک فاعل شناسا، دیدن و شنیدن، اراده و شهوت به عنوان داعیان فعل (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۱۷-۱۹). هرچند ترتب فعل بر اراده امری ضروری است. رازی در جایگاهی اراده را نیت معرفتی می‌کند و علت پدیدآورنده آن را آگاهی‌های سه‌گانه علم، ظن و اعتقاد می‌داند (رازی ۱۴۲۰، ۴: ۷).

۴. لذت و سرور به مثابه مؤلفه‌های بنیادین آگاهی انسان در فعل ارادی

از آنجا که در تعریف داعی منفعت اخذ شده است، فخر تصویرسازی خود را از منفعت بر اساس لذت و سرور تحلیل می‌کند. منفعت عبارت است از لذت و سرور یا اموری که مؤدی به آن دو باشند (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۲۹)، و گاه منفعت را به زیبایی (رازی ۱۴۲۰، ۳: ۶۲۲)، و گاهی به حکمت و خیر ذکر کرده است (رازی ۱۴۲۰، ۳: ۶۵). بر پایه این

تحلیل، رازی معتقد است پدیده‌هایی هستند که طبع انسان به سوی آنها متمایل است. از این میان برخی مطلوبیت ذاتی و عینی دارند، و با رجوع به خود می‌توان دریافت که پدیده‌هایی که چنان مطلوبیتی دارند دو امرند: لذت و سرور در مقابل الم و غم. سایر پدیده‌هایی که با واسطه حصول لذت و سرور حاصل می‌شوند مطلوبیت غیري دارند. بنابراین از آنجا که حصول لذت و سرور مطلوب بالذات است، هر گاه انسان آن را در پدیده‌ای تصور کند، تصور او مستلزم حصول لذت و سرور است و خود آن مطلوب است و این همان داعی بر فعل است (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۲۱ و ۲۲). رازی لذت و سرور را، به مثابه منفعت، مطلوب ذاتی افعال، و الم و غم را نامطلوب ذاتی معرفی می‌کند (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۲۴، ۳۹). در جایگاهی دیگر، محبوب و مطلوب ذاتی را لذت و کمال می‌داند و معتقد است این دو به هم بازگشت دارند و رابطه دوسویه بین آنها برقرار است؛ لذت بیشتر در جسمانیات استعمال می‌شود و کمال در امور روحانی (رازی ۱۴۰۶، ۲۰). درباره میزان کارایی و اثربخشی آنها، رازی به اختلاف نفوس انسانی ارجاع می‌دهد و کیفیت نفس انسان را در چگونگی بهره‌مندی از لذت یا سرور می‌داند (رازی ۱۴۰۶، ۲۴). بنابراین فعل صادرشده از انسان اگر تحصیل لذت یا ازاله الم باشد مطلوب است، و غایت آن عین ذاتش است؛ و اگر فعل صادرشده از انسان وسیله‌ای برای یکی از این دو باشد مطلوبیت بالعرض دارد. علت این امر آن است که لذت ادراک ملائم است؛ پس وقتی امر مطلوب تصور شود، سبب حصول لذت می‌شود. بنابراین منفعت همان لذت و سرور یا امور مؤدی به آن دو است (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۲۹). بر این اساس می‌توان در تعریف داعی گفت: داعی همان آگاهی انسان به وجود لذت و سرور در فعل است.

منافع موجود در فعل، که همان لذت و سرور باشد، دارای مراتب‌اند. به همین دلیل رغبت انسان نسبت به بهره‌مندی از لذت برتر بیشتر از رغبت او نسبت به لذت اندک است. در اندیشه رازی، لذات روحانی، به دلیل پایداری، بر لذات جسمانی برتری دارند (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۳۳؛ ۸: ۱۱۲). تشخیص میزان لذت موجود در فعل و بهره‌مندی از آن در انسان‌ها متفاوت است. همچنین اگر فعل واحد دارای جهات کثیره‌ای از منافع باشد، جهات کثیره‌ای از دواعی نیز خواهد داشت (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۳۰، ۳۴). در المباحث المشرقیة، رازی با نقادی تصویرسازی ذکرایی رازی از آنها، مبنی بر تحلیل لذت بر اساس خروج از

حالت غیرطبیعی، لذت را با ادراک همراه می‌داند و آن را صرف انفعال تعریف نمی‌کند (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۳۸۷، ۳۸۸). او همچنین، با رویکرد نقادانه به کلام بوعلی، مبنی بر ادراک ملائم بودن لذت، این سؤال را مطرح می‌کند که لذت، که همانا حالتی است در انسان، چه مناسباتی با ادراک دارد؟ (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۳۸۹؛ بی‌تا، ۱۲۱).

۵. نقش آگاهی در رفتار اخلاقی

رازی در تعریف اخلاق به معنای سنتی اشاره دارد: ملكة تصدر بها عن النفس افعال بالسهولة من غير تقدم روية (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۳۸۵؛ بی‌تا، ۱۲۰). رفتارهای اخلاقی، به مثابه رفتارهای ارادی و بر پایه تحلیل مسبقیت رفتار بر آگاهی، نیازمند آگاهی هستند. او به درونی‌سازی و احاطه نفس اشاره دارد، به گونه‌ای که نفس انسان بدون فرآیند و چینش مراحل، فعل ویژه‌ای را صادر می‌کند. از این رو، در افعال اخلاقی، بنا بر تعریف سنتی مورد اشاره رازی، آگاهی که از مبادی فعل ارادی است از دست نمی‌رود، بلکه به دلیل احاطه نفس و شناخت درجه بالای آن، و به ویژه صفت پایداری، فعل صادر می‌شود (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۳۸۵). این امر آنگاه که با پیش‌انگاره لذت‌گروانه انسان بر پایه تحلیل رازی در باب آگاهی و فرآیند صدور فعل مطابق تحلیل پیشین همراه می‌شود، می‌تواند به تکرارپذیری یک فعل منجر شود و این تکرارشدن‌ها نهایتاً منجر به ایجاد ملكة می‌شود. ملكة‌انگاری خلق، با توجه به تحلیل رازی از مبادی صدور فعل و اخذ لذت در آن، قابلیت پذیرش بیشتری می‌یابد.

در مورد حسن خلق با ارجاع به نفوس انسانی، رازی معتقد است نفوس اختلاف ماهوی دارند؛ آنها در جانب نقصان می‌توانند به اوج اوصاف ناپسند اخلاقی و در جانب کمال به نهایی‌ترین کمال در قوا دست یابند. علت این امر در شناخت انسان است. آگاهی از پدیدارهای روحانی و جسمانی در مؤلفه‌های اخلاقی و نااخلاقی، نظیر غضبناکی و دل‌سپردگی، تأثیر می‌گذارد و نحوه بهره‌برداری انسان از لذات را مشخص می‌کند (رازی ۱۴۲۰، ۹: ۴۰۶).

رذایل اخلاقی، نظیر بخل و حسدورزی، از عدم شناخت ناشی می‌شود، و جهل علت اصلی بخل و حسدورزی است (رازی ۱۴۲۰، ۱۰: ۱۰۲). این امر تأثیر مستقیم قوه نظری و

شناخت را در حوزه اخلاق نشان می‌دهد. رازی معتقد است بخشش دارایی سبب طهارت نفس و حصول سعادت در آخرت و دعوت بدان است؛ در حالی که بخل ورز تعلق بنیادین خود را دنیاگرایی قرار می‌دهد. این نشان می‌دهد انسانی که سبک زندگی خود را بر این روند قرار می‌دهد و دنیاگرایی را بر آخرت‌گرایی ترجیح می‌دهد شناخت لازم را ندارد. همچنین در زمینه حسدورزی، رایگان‌بخشی (ایصال النعم) و احسان به بندگان از لوازم خداباوری است، و کسی که این مؤلفه اخلاقی را ندارد خداباوری را صحیح درک نکرده است (رازی ۱۴۲۰، ۱۰: ۱۰۲).

مطابق اندیشه رازی، کمال انسان در آن است که حق را به دلیل حق بودن و خیر را به دلیل عمل بدان بشناسد (رازی ۱۴۰۷، ۸: ۱۰۳؛ ۱۴۲۰، ۷: ۵۸، ۱۱۲؛ ۸: ۳۳۳؛ ۹: ۴۱۹). بر مبنای این تعریف، شناخت هم بر متعلق قوه نظری ناظر است و هم بر متعلق قوه عملی: شناخت حق و شناخت خیر. در حالت نخست، علم و ادراک مطابق ملحوظ است، و در دومی فعل عدالت‌محور و صحیح (رازی ۱۴۲۰، ۷: ۵۸). از این رو کمال انسان در دو امر است که رازی از آنها تعبیر به قوای نفس می‌کند: قوه عقل نظری و عقل عملی. جدول ۲ نمایانگر کارکرد عقل نظری و عملی نزد رازی در مواضع مختلف است. بنا بر دیدگاه رازی، این شناخت، از حیث تأثیر در رفتار ارادی و تشخیص خیر، عقل عملی نامیده می‌شود. بنابراین از میان نظریات سه‌گانه‌ای که در حوزه عقل نظری و عملی وجود دارد،^۴ تلقی رازی این است که هر دو قوه حیثیتی شناختی دارند. منتها تفاوت در گونه‌شناسی ادراکات آنهاست؛ عقل نظری به شناخت حقیقت و عقل عملی به شناخت امور خیر در ساحت رفتار می‌پردازد. رازی در جایی علم را با عقل هم‌معنا در نظر می‌گیرد و فعالیت عقلی را علم به حسن و قبح پدیده‌ها و کمال و نقصان آنها می‌داند؛ این علم به حسن و کمال پدیده یا فعل داعی بر انجام فعل، و علم بر قبح و نقصان داعی بر ترک فعل است (رازی ۱۴۲۰، ۲: ۴۲۲). این تحلیل با توجه به قوه عقل عملی است.

جدول ۲. کارکرد عقل از دیدگاه رازی

کارکرد عقل نظری	کارکرد عقل عملی
کمال آن در معرفت موجودات است و در آن صور اشیاء و حقایق آن تجلی تام پیدا	سعادت آن در این است که متصف به اخلاق فاضله بشود به گونه‌ای که مبادی صدور افعال

تحلیل پیش‌انگاره‌های معرفتی و غیرمعرفتی رفتار در اندیشه فخر رازی ۱۷۳

می‌کند. به گونه‌ای است که نفس به سان آئینه‌ای می‌شود که در آن قدس ملکوت و جلال لاهوت تجلی یابد (نظیر شناخت خداوند و توحید و اسماء و صفات و افعال (او). ۱۴۰۷، ۸: ۱۰۴).	کامل گردد و برای صاحب آن ملکه‌ای حاصل شود که به واسطه آن بر انجام عمل صالح توانمند باشد (نظیر اطاعت خدا و خدمت‌گزاری او) (رازی ۱۴۲۰، ۱۹: ۱۱۴؛ ۱۴۰۷، ۸: ۱۰۴).
۲ متعلق به علوم و معارف	ناظر بر اخلاق (رازی ۱۴۲۰، ۸: ۲۷۰).
۳ ارتسام صور معقولات حاصل از عالم مفارقات	انسان به واسطه آن در عالم جسمانیات تصرف می‌کند (رازی ۱۴۰۷، ۸: ۱۲۷)
۴ قوه نظری بر بهره‌برداری نفس از علوم تصوری و تصدیقی از عالم مجردات استوار است.	قوه عملی به تدبیر بدن و تصرف در آن تعریف می‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۷: ۲۲۱؛ رازی ۱۴۰۶، ۷۷)
۵ شناخت حقیقت	شناخت خیر از جهت انجام آن (رازی ۱۴۲۰، ۸۷: ۳۱؛ ۵۱۵: ۲۴؛ ۱۸: ۳۱).
۶ تعظیم به امر خداوند	شفقت بر مردمان (رازی ۱۴۲۰، ۱۶: ۷۸).
۷ استکمال قوه نظری به معرفت حق	استکمال قوه عملی به کار خیر و اخلاقی (رازی ۱۹۸۶، ۲: ۶۵؛ رازی ۱۴۲۰، ۷: ۱۱۲)
۸ قوه عاقله (۱) گاه بر ادراکات این قوه اطلاق می‌شود؛ (۲) گاه بر خود این قوه؛ (۳) گاه بر جوهر مجرد از ماده و لواحق آن (رازی ۱۴۱۱، ۱، ۳۶۶؛ بی تا ۱۱۶).	عقل عملی به اشتراک در این سه معنا به کار می‌رود: (۱) قوه‌ای که به وسیله آن میان امور حسن و امور قبیح تمییز داده می‌شود؛ (۲) مقدماتی که از آنها امور حسن و قبیح استنباط می‌شود؛ (۳) افعالی که متصف به حسن و قبح‌اند (رازی بی تا، ۱۱۶).

در المباحث، در شرح عقل نظری و عملی، رازی با استناد به ابن سینا می‌گوید:

انسان قوه‌ای دارد که مختص آرای کلی است و قوه‌ای است مختص به تأمل در امور جزئی
معطوف بر آنچه شایسته انجام یا ترک است و منفعت و مضرت، و حسن و قبح در آن
ملحوظ است و در دو دسته کلی خیر و شر قرار می‌گیرند و در آن گونه‌ای قیاس و تأمل
لحاظ می‌شود و غایت آن تأمل در امر جزئی معطوف بر آینده است. (رازی ۱۴۱۱، ۲:

این تحلیل گویای حداقل دو مطلب مهم است: (۱) از سنخ ادراک دانستن قوه عملی و (۲) بهره‌گیری عقل عملی (و به طور ویژه حوزه اخلاق) از ساحت عقل نظری و استنتاج و ساخت قیاس.

وی در تحلیل معناشناسی عقل عملی می‌گوید افعال انسان گاه حسن‌اند و گاه قبیح. آن حسن و قبیح نیز گاه علم بدان بدون کسب حاصل می‌شود و گاه محتاج به کسب است، و از این رو اکتساب آن نیازمند مقدماتی است که هم‌سازگار با او باشد (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۳۶۷). بنابراین عقل عملی در مقدمات خود و همچنین استنتاج و قیاس نیازمند عقل نظری است. رازی از بهره‌گیری عقل عملی از عقل نظری در قالب گونه‌ای قیاس و استنتاج سخن می‌گوید. فرآیند این استنباط را، بر پایه آنچه تبیین شد، می‌توان چنین بازنمایی کرد:

(۱) رفتار ارادی آن هنگام تحقق پیدا می‌کند که آگاهی وجود داشته باشد؛ بنابراین برای انجام رفتار ارادی، آگاهی از خیر بودن آن شرط لازم است. (۲) آگاهی از خیر بودن یا خیر داشتن یک رفتار یک داعی کلی است و از احکام کلی در ساحت عقل نظری استنباط می‌شود. رازی در این حوزه از مقدمه‌های اولیات، مشهورات، مقبولات، تجربیات و مضمونات یاد می‌کند. این امر بدین معناست که عقل عملی از طریق مقدمات کلی در ساحت عقل نظری رأی کلی را استنتاج و استنباط می‌کند. (۳) بعد از آن، عقل عملی، از احکام کلی حاصل از استنباط نخست (کبری)، به انضمام مقدمات جزئی یا محسوس (صغری)، احکام جزئی عقل عملی را استنباط می‌کند. (۴) و سپس بر پایه آن نتایج جزئی رفتار می‌کند. بنابراین عقل عملی خواه در بُعد ادراک و استنتاج و استنباط امور جزئی عملی و خواه در تصرف در امور عملی مبتنی و نیازمند عقل نظری است. با این بیان در استنتاج احکام جزئی مرتبط با عمل، طی دو مرحله، دو قیاس منطقی پیوسته تشکیل می‌شود (رازی ۱۴۱۱، ۲: ۴۱۳).

۶. عوامل اثربخش در آگاهی به منفعت و هم‌سازگاری فعل (تأثیر مؤلفه‌های غیر معرفتی در صدور فعل)

زمینه‌های ایجاد آگاهی‌های سه‌گانه انسان در اندیشه رازی را می‌توان در دو سطح تحلیل

کرد: سطح کلامی-عقیدتی، سطح معرفت‌شناختی-انسان‌شناختی، و سطح روان‌شناختی-جامعه‌شناختی.

۶-۱. سطح کلامی-الهیاتی

در ساحت نخست، رازی آگاهی بر وجود منفعت را معلول ایجاد خداوند در انسان می‌داند (رازی ۱۴۲۰، ۸۷: ۱؛ ۸۸، ۲: ۲۹۷؛ ۱۴۰۷، ۹: ۴۲-۴۳). در این تحلیل، پیدایش آگاهی بر منفعت فعل، اگر برآیند فعالیت انسان باشد، مشکل دور و تسلسل حاصل می‌شود، و ضرورتاً باید علت خارجی را در ایجاد آن دخیل دانست. آن علت خارجی خداوند است. او معتقد است صدور افعال به صورت اضطراری است (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۴۱). حصول آگاهی نخستین در فرآیند صدور فعل اختیاری، نه به اختیار انسان، بلکه بر سبیل اضطرار است. دواعی افعال هرچند مترتب بر یکدیگرند، در نهایت به آنچه خداوند ابتدائاً خلق کرده منتهی می‌شوند (رازی ۱۴۲۰، ۳: ۴۶۳). در جایگاهی دیگر، صدور فعل انسان را متوقف بر داعی می‌کند که آن داعی را مخلوق خداوند و از جانب خداوند می‌داند (رازی ۱۴۲۰، ۷: ۱۱۶؛ ۸: ۱۹۰؛ ۱۲: ۴۹۴؛ ۱۳: ۹۶؛ ۱۴: ۳۳۷؛ ۱۶: ۱۹؛ ۲۴: ۵۴۱؛ ۱۴۰۷، ۳: ۳۵۵). فعل که متوقف بر داعی است، آن داعی یا بدون علت حادث می‌شود؛ یا علت حادثی آن خود فرد است و نیازمند داعی دیگر می‌شود، و یا علت ایجاد آن خداوند است. صورت نخست به دلیل تحقق بدون علت و صورت دوم به دلیل تسلسل باطل است (رازی ۱۴۲۰، ۸: ۲۵۷؛ ۱۴۰۷، ۹: ۵۵). از این رو مجموع قدرت و داعی که در صدور فعل تأثیر دارند به ایجاد خداوند است، و بنابراین فعل انسان به لحاظ تکوین، به واسطه فعل سبب، مستند به خداوند است (رازی ۱۴۲۰، ۸: ۳۲۲). خداوند در انسان علم به آنچه در آن آگاهی و لذات است را ایجاد می‌کند (رازی ۱۴۲۰، ۲۴: ۵۴۲). برای مثال، صدور فعل احسان از انسان متوقف بر حصول داعی احسان است و حصول آن داعی از خداوند است (رازی ۱۴۲۰، ۱۲: ۴۷۲).

سخن رازی در این تحلیل در دو ساحت است و یکی قابل دفاع و دیگری غیرقابل دفاع است. این سخن رازی که صدور فعل بر اساس فرآیند چندمرحله‌ای و، در صورت عدم معارض، واجب و ضروری است، تحلیل قابل پذیرشی است. رازی خود از تحلیل صدور

فعل اختیاری سخن می‌گوید و از این یاد می‌کند که انسان در فعل اختیاری مضطر است. اما این وجوب و ضرورت خللی در اختیاری بودن فعل ایجاد نمی‌کند. اگر مقدمات ضروری یک امر متحقق شود، و مانعی در کار نباشد، ضرورتاً آن تحقق می‌یابد (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۴۵). این نظیر ضرورت وجود معلول در ظرف تحقق علت است؛ اما این ضرورت در معنای سلب اختیار نیست، بلکه ضرورت قیاسی است. اما این ایده که آگاهی، به عنوان پیشفرض معرفتی صدور فعل، بر اساس ایجاد خداوند است و افعال انسان‌ها مستند بر دواعی‌ای است که خدا آن را خلق می‌کند، و افعال انسان‌ها به طور کلی به تکوین خداوند واقع می‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۲: ۱۴۳) یا خداوند موجد افعال انسان‌ها است، چرا که در غیر این صورت تسلسل دواعی در انسان پیش می‌آید (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۵۷؛ ۲: ۱۴۳)، پذیرفتنی نیست. در المطالب، رازی به تفصیل تلاش می‌کند دلایل دهگانه‌ای را صورت‌بندی کند که افعال بندگان به تقدیر و قدرت الهی رخ می‌دهد و مواجهه جبرانگارانه در این موضع وجود دارد (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۳۵-۷۴).

۲-۶. سطح فراکلامی-فراالهیاتی

هرچند رازی موجه قدرت و داعی را خداوند می‌داند، معتقد است فاعل شناسا، یعنی انسان، فاعل حقیقی است؛ زیرا مؤثر در فعل قدرت و داعی اوست؛ هرچند افعال انسان‌ها به طور کلی در نظام قضای الهی قرار دارند (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۷۳). گذشته از تحلیل کلامی، تحلیل‌های دیگری نیز در آثار رازی قابل شناسایی است که در آنها بیشتر بر وجوه انسان‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی تأکید دارد. رویکرد کلی این تحلیل‌ها بر پایه تأثیر بسیاری از مؤلفه‌ها نظیر هیجانات، جامعه، مزاج و ساختار بدنی انسان، نوع مواجهه معرفت‌شناسانه انسان، اختلاف نفوس انسانی و... در صدور رفتار است.

الف. اختلاف ماهوی نفوس. موضع رازی در باب اختلاف نفوس انسانی در آثار او متفاوت است. در المباحث المشرقیه رازی در حالت تردید تنها به بازخوانی انتقادی هر دو طرف اتحاد (نظیر دیدگاه ابن‌سینا) و اختلاف ماهوی نفوس (ابوالبرکات) می‌پردازد و هر دو را به نقد می‌کشد (رازی ۱۴۱۱، ۲: ۳۸۳-۳۸۴). اما در المطالب العالیه و تفسیر مفاتیح الغیب، نفوس ناطقه را به لحاظ ماهوی مختلف می‌داند (رازی ۱۴۰۷، ۸: ۱۰۷؛ ۹: ۱۴۲۰، ۹:

۴۰۶)، و بدین سبب می‌گوید احوال مختلفی به سبب اختلاف ماهوی بر انسان‌ها عارض می‌شود و افعال آنها اختلاف پیدا می‌کند، به نحوی که بعید است دو انسان بر شیوه واحدی در رفتار و باورداشت و گفتار باشند. در جایگاهی از استعداد می‌نویسد (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۴۰۶) و معتقد است چنین نیست که هر انسانی قابلیت همه آگاهی‌ها را داشته باشد (رازی ۱۴۱۱، ۲: ۳۸۷). این اختلاف نفوس انسان موجب می‌شود میزان بهره‌برداری انسان‌ها از لذت و سرور، که در داعی فعل مدخلیت دارد، متفاوت باشد (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۲۴). در المطالب، یکی از علت‌های درونی اختلاف باورداشت‌های انسان‌ها و به تبع آن افعال و به تصریح خود اخلاق را اختلاف نوعی نفوس ناطقه معرفی می‌کند. در این تحلیل تبیین‌شناختی، او اسباب اختلاف آموزه‌ای و رفتار اخلاقی را در دو حوزه درونی [درون‌انسانی] و بیرونی [برون‌انسانی] شناسایی می‌کند: اختلاف ماهوی نفوس ناطقه، اختلاف مزاج انسان‌ها و اختلاف اشکال اعضای انسان‌ها سه‌گانه‌ای هستند که به عنوان علل درونی یاد می‌شوند. از علل بیرونی، به سه امر الفت و عادت، حیثیت برتری و تفوق جویی، و استدلال‌ورزی و ممارست در اندیشه اشاره می‌کند (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۳۵).

رازی می‌گوید برخی انسان‌ها بالذات و در جوهر خود زکی‌اند و برخی بلیده‌اند؛ برخی رحیم‌اند و برخی سنگ‌دل؛ برخی در پی تحصیل لذات جسمانی‌اند و از طلب سعادت روحانی‌گریزان و برخی عکس آن‌اند؛ برخی شریف‌اند و برخی خسیس؛ و الی آخر. هر یک از این مقامات قابل کمال و نقصان و اشتداد و تضعیف‌اند (رازی ۱۴۲۰، ۱۸: ۴۳۷؛ ۱۴۰۷، ۹: ۳۵). رازی با استناد به زیست‌های مختلف انسانی معتقد است برخی نفوس ذاتاً گرایش به نور و تمایل به خدا باوری و خداحضوری و دانش‌های حقیقی دارند و برخی در پی این دنیابیند (رازی ۱۴۲۰، ۲۶: ۴۴۰؛ ۱۴۰۷، ۹: ۳۵). بر این اساس، تفاوت جوهری و غیرقابل زوال طبایع انسان‌ها به لحاظ استعدادهای مختلف در زمینه‌های مختلف قابل مشاهده است. اگرچه رازی تغییر این اوصاف را امری دشوار می‌داند، اما سخن وی با مسائل تربیتی ناسازگاری ندارد؛ بلکه او این عامل را به عنوان یکی از عوامل ششگانه معرفتی می‌کند. در بحث الفت و عادت، او بر نقش عوامل خارجی در تربیت‌پذیری انسان تأکید دارد و چگونگی آن را در داشتن عقاید و اخلاق مؤثر می‌داند. همچنین ممارست انسان در اندیشه‌ورزی را مورد تأکید قرار می‌دهد. چرا که به تعبیر او، نفس ناطقه به گونه‌ای خلق شده

که قابلیت پذیرش معارف کلی و انوار عقلی را داشته باشد (رازی ۱۴۲۰، ۱۸: ۴۳۷).

ب. رویکرد کلی و جهت‌گیری زیست آدمی. انسان، با تأثیرپذیری از ویژگی‌های ساحت‌های ارتباطی خود، افعالی متناسب با آنها بروز می‌دهد. رازی اختلاف بین نفوس در صفات اصلی را به قوه نفس و شرف آن و مقابل آن یعنی خست و ضعف باز می‌گرداند. نفس توانا افعال بزرگ و شرافتمند انجام می‌دهد و نفس حقیر افعال حقیر. نفس شرافتمند در حکمت، حریت، عفت، خیریت، کرم و رحمت به سان علل مفارق است (رازی ۱۴۱۱، ۲: ۴۱۳، ۴۱۴). این مسئله به درونی‌سازی اشاره دارد؛ هرگاه انسان با توجه به فضای اندیشگی (خواه بر پایه تقلید و خواه به سان حیثیت پژوهشگرانه) و رشدیافتگی و نیز فضای فرهنگی و اجتماعی و نیز با توجه به کیفیت درونی خود، از لحاظ اختلاف جوهری و مزاجی، اوصاف اخلاقی را بیشتر درونی سازد، افعال بعدی او هم‌تراز و هم‌سو با کیفیت این درونی‌سازی خواهد بود. رازی بر آن است که هر اندازه تعلقات بدنی نفس اندک باشد و دلبستگی‌های عقلانی او بیشتر، در حریت و عفت و رحمت و... فزونی می‌یابد. عدالت‌ورزی، راست‌گفتاری، حلم، و بلندهمتی لازمه شرافت نفس؛ و جور، دروغ‌گویی، سفه، حرص، زیاده‌خواهی و کوچک‌همتی لازمه نفس خسیس است. او می‌گوید این صفات گاه به علت مزاج‌های مختلف، گاه به سبب امور خارجی نظیر تربیت، و گاه به دلیل تفاوت جوهری افراد نزد قائلان به اختلاف جوهری است (رازی ۱۴۱۱، ۲: ۴۱۶). افعال بر دو قسم است: افعالی که داعی آن طلب خیرات جسمانی است، و افعالی که داعی آن طلب خیرات روحانی است. کثرت افعال سبب حصول ملکات راسخ در نفس می‌شود. از این رو، بر کسی که گونه نخست غالب است، تمایل او به دنیا فزونی می‌گیرد (رازی ۱۴۲۰، ۲۷: ۵۰۱). نفوسی که از آنها افعال صادر می‌شود، برخی به گونه‌ای هستند که بر بدن استیلا دارند و گرایش بالایی در وجود آنها نسبت به عالم بالا وجود دارد؛ از این رو، تأثیر قدرتمندانه‌ای در سازوکار جهان دارند. اما نفوسی که تعلق به لذات بدنی دارند، تأثیر آنها محدودیت دارد (رازی ۱۴۲۰، ۳: ۶۲۲). آیه «فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى» که بنا بر گفته رازی در مقام ارشاد و تکمیل ناقصان است، در پی تحلیل این مسئله است که به سبب اختلاف نفوس چنین نیست که هر کسی که آن تذکیر را شنید، از آن انتفاع می‌برد. حتی برخی از شنیدن آن ضرر می‌کنند. این مؤلفه را می‌توان چنین تحلیل کرد که نه تنها آگاهی بر فعل

تأثیر می‌گذارد، بلکه فعل و تکرار شدن آن بر اساس فضای اندیشگی و فرهنگی و بر اساس درونی‌سازی بر آگاهی تأثیر می‌گذارد، و این دو ارتباطی تعاملی دارند.

ج. محیط، تغذیه، ساختار بدنی، و مزاج آدمی. رازی در جایگاهی از چهار عامل به عنوان عوامل بیرونی تنوع اخلاقی و کیفیت صدور رفتار یاد می‌کند: (۱) محیط، (۲) ستارگان و تأثیر اجرام سماوی در سرزمین و مکان‌های زیست آدمی به لحاظ اوصاف پسندیده و ناپسند، (۳) تغذیه، (۴) اختلاف مزاجی و ساختار بدنی (رازی ۱۴۰۷، ۷: ۱۴۹). عامل اول و دوم را می‌توان در تأثیر محیط زیست و گونه‌شناسی مکان‌های زیست آدمی بازسازی کرد. نوع سرزمین‌هایی که انسان به لحاظ رطوبت، خشکی، سردسیری، گرمسیری و... در آن زیست می‌کند، در رفتار آدمیان تأثیر دارد. در دانش‌های جدید نظیر روان‌شناسی محیطی به واکاوی تأثیرات بوم‌شناختی، اقلیمی و جغرافیایی بر ساختار روانی و رفتاری آدمیان پرداخته می‌شود (Atkins & Hart 2003, 155-164). ارتباط انسان با محیط موجب می‌شود محیط به سان یکی از عوامل مهم شکل‌گیری رفتار باشد. امروزه بسیاری از روان‌شناسان بر تأثیر عواملی از جمله تربیت دوران کودکی، فضای فرهنگی، تربیت ذهنی، و نیز محیط بر واکنش‌های روانی و اخلاقی تأکید دارند (نک. کاوندی و شاددل، ۱۳۹۲؛ صفری و همکاران، ۱۳۸۷؛ نقره‌کار و دیگران، ۱۳۸۹). به طور کلی، در مورد ارتباط محیط و رفتار حداقل چهار رویکرد کلی وجود دارد: رویکرد اختیاری، رویکرد امکان‌گرا، احتمال‌گرا و جبرگرا (نقره‌کار و دیگران ۱۳۸۹، ۸۱). رویکرد اختیاری و جبری در دو سر طیف‌اند، و اولی تأثیر محیط بر رفتار را یا در حداقلی‌ترین صورت ممکن تصویر می‌کند یا هیچ اثری برای آن قائل نمی‌شود، و رویکرد جبری با ترسیم رابطه علی-معلولی بر تعیین‌کننده بودن تأثیر محیط بر رفتار تأکید دارد. در این میان، رازی تأثیر محیط را در زمینه‌سازی صدور فعل به سان یکی از علل تأثیرگذار در مبادی معرفتی فعل ترسیم می‌کند. همچنین رازی بر تغذیه تأکید دارد؛ این امر در بافتار اسلامی با توجه به حلال و حرام بودن غذا در ساخت شخصیت انسان اهمیت وافری دارد.

رازی در مورد مزاج نیز با استناد به جالینوس می‌گوید مزاج در فعل نفس تأثیر دارد. برای مثال، در مزاج صفراوی، غضبناکی فزونی دارد؛ و نیز غضبناکی از سوی دیگر در صورت تراکم، در بدن حالت صفراوی و مواد متعلق بدان را افزایش می‌دهد. این نشان‌دهنده

تأثیر نفس و بدن در یکدیگر است (رازی ۱۴۰۷، ۷: ۱۵۰). رازی از قوای اصلی نفس: قوه ناطقه دماغی، قوه غضبیه قلبی و قوه شهوانی کبدی یاد می‌کند (رازی ۱۴۰۶، ۵۱) و یادآور می‌شود اخلاق و صفات از این سه انشعاب می‌یابند. مزاج بر نفس تأثیر می‌گذارد و این تأثیر خود را در حوزه ادراکات و توانایی‌های انسانی نظیر توانایی یادسپاری، قدرت تحلیل مسائل یا فهم واقعی از پدیده‌ها یا فهم وارونه و کژفهمی از آنها و نیز صدور افعال نشان می‌دهد. رازی به طراحی سبب مزاجی این احوال مختلف بر اساس اختلاف احوال دماغی می‌پردازد (رازی ۱۴۰۷، ۷: ۱۵۰-۱۵۲). او به چگونگی وضعیت سر و بدن و تأثیر آن در تحول و تنوع اخلاقی نیز اشاره می‌کند.

د. مؤثرات معرفت‌شناختی. ایجاد آگاهی، به سان بنیاد صدور رفتار در اندیشه رازی، بر مؤثرات معرفت‌شناختی نیز استوار است و این مؤثرات گذشته از ساحت عقلانیت و تأمل پذیرش‌یافته در نظام فکری رازی، بر وجود عوامل دیگری نیز استوار است؛ مهم‌ترین آنها از این قرارند:

نشانگان.^۵ وجود نشانگان در نظام معرفتی رازی در تولید و ایجاد ظن به مثابه یکی از اضلاع سه‌گانه آگاهی اهمیت خاصی دارد. در مباحث مختلفی او به این موضوع پرداخته است. در المطالب العالیه، در تفسیر داعی و چیستی‌گویی از پیش‌زمینه معرفتی تحقق فعل، به سنجش اثربخشی علم، ظن و اعتقاد در ایجاد فعل می‌پردازد، و معتقد است ظن به پشتوانه وجود نشانگان در انسان ایجاد می‌شود (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۱۶). این نشانگان امور معرفتی و غیرمعرفتی مختلفی در زیست انسانی‌اند.

گواهی دیگران. در دیدگاه رازی، ظن به عنوان مؤثر در تحقق فعل دارای مراتب مختلف قوت و ضعف است و بدین سبب تأثیر آن به عنوان داعی فعل بر فعل نیز متأثر از همین شدت و ضعف است. از عواملی که در ایجاد ظن قوی یا ضعیف در انسان مداخلت دارد، گواهی و اخبار دیگران است (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۱۶).

یادآوری دیگران. در برخی مواقع، انسان آگاهی بر فعل را به مثابه داعی فعل، از یادآوری دیگران کسب می‌کند، و این یادآوری (مثل یادآوری‌های شیطانی) سلسله‌جنبان فرآیند صدور فعل در انسان می‌شود، و به ویژه بر گام نخست یعنی آگاهی تأثیر می‌گذارد. مطابق گفته رازی، در برخی مواضع نظیر رفتار غیراخلاقی، و در تعبیر دینی گناه، انسان

توجهی به آگاهی و انجام فعل دارای لذت و منفعت ندارد، و آگاهی در این بافتار با وسوسه و یادآوری‌های شیطان به وجود می‌آید، و مراحل ایجاد میل و اراده و صدور فعل خطاناک طی می‌شود (رازی ۱۴۲۰، ۱: ۸۸؛ ۳: ۴۶۳).

ه. بافت اجتماعی و فضای فکری-فرهنگی و گروه‌های دوستان و همکاران. اختلاف و گونه‌شناسی بافتاری موجب تفاوت در شیوه اجتماعی‌سازی توسط فرهنگ‌های مختلف و به تبع تنوع رفتاری می‌شود (Whiting & Edwards 1988). نخست بافتار فکری ویژه. قرار گرفتن انسان در یک فضای فکری خاص و درونی‌سازی آن اندیشه‌ها و آموزه‌ها منجر به صدور افعال خاصی می‌شود. برای مثال، نفوس استعلا یافته بر بدن، به دلیل تعالی ذوب‌یافتگی به عالم بالا و با روحی آسمانی، افعال متعالی انجام می‌دهند؛ و نفوس ضعیف تعلق‌یافته به بدن لذات بدنی را ارج می‌دهند و افعال متناسب با آنها انجام می‌دهند (رازی ۱۴۲۰، ۳: ۶۲۲). دوم بافتار روان‌شناسی خاص. حالات روان‌شناختی در اندیشه رازی در صدور فعل مؤثرند. برای مثال، او از فرح و حقد (رازی ۱۴۱۱، ۱: ۴۱۳-۴۰۶) یاد می‌کند. در تحلیل حقد، بر غضب پایدار و انتقام تأکید دارد و می‌گوید فرد دارای این حالت روان‌شناختی شوق خطاناک غیراخلاقی را پی‌جویی می‌کند. سوم بافتار اجتماعی و گروه‌های دوستان و همکاران. تأثیر این بافتار در روان‌شناسی رشد اخلاقی و جامعه‌شناسی اخلاق بسیار مورد توجه است (کیلن ۱۳۸۹، ۲: ۸۵۴-۸۹۱)؛ قرار گرفتن در فضای اجتماعی و گروه‌های خاص در بروز رفتارهای معین از انسان مؤثر است (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۴۳).

بر پایه تحلیل‌های فوق، افعال آدمیان متأثر از مؤلفه‌های متعددی است (رازی ۱۴۰۷، ۳: ۳۲). رازی نمونه‌ای را بیان می‌کند. انسانی را فرض کنید که در اصل خلقت صاحب نفسی است که استعداد زیادی برای غضب‌ورزی دارد. این حالات اگر با ویژگی‌های ذیل همراه شود، شخصیت ویژه ایجاد می‌کند که در رفتار او تأثیر دارد، ویژگی‌هایی از این دست: در مزاج بدنی او استعداد زیادی برای صفاوروی بودن باشد؛ اعضای بدنی خاصی داشته باشد؛ تمایل بر استیلا و قهر در او بیشتر باشد؛ در جامعه/اقوام/سرزمینی باشد که غضبناکی را ستایش کنند؛ پایداری ریاست و موقعیت او به رفتارهای غضبناک باشد؛ طبع او با دیدن پدیده‌ها متأثر نباشد؛ گروه‌های همسالان و دوستان او این روند را تأیید کنند و در

صورت ترک غضبناکی او را مذمت و ملامت نمایند. در صورت اجتماع اینها، آن انسان به گونه‌ای خواهد شد که افعال ویژه‌ای انجام خواهد داد (رازی ۱۴۰۷، ۹: ۴۳).

۷. تحلیل رازی و رویکردهای رقیب

رازی عوامل مختلفی را در آگاهی در فرآیند صدور فعل لحاظ می‌کند. دیدگاه رازی نسبت به دیدگاه‌های رقیب این فرایند را بهتر نشان می‌دهد. در بسیاری از تصویرسازی‌ها، عوامل مختلف در کنار هم هستند و گویا در صورت تحقق عوامل غیر معرفتی عوامل معرفتی از دست می‌رود و آنها نسبت به یکدیگر حالت جانشین‌پذیری دارند؛ اما تصویری که رازی ارائه می‌کند تصویر تأثیر آن عوامل در آگاهی به عنوان مهم‌ترین وجه صدور فعل است و سخنی از جانشین‌پذیری نیست. برای مثال، از میان نظریه‌سازی‌های مختلف در این ساحت، پیازه به نقش تفکر، عواطف و مسائل اجتماعی (Piaget 1984, 41-42) در صدور فعل تأکید دارد؛ هرچند او (Piaget 1948, vii) همانند کلبگ (1984) بر استدلال و قضاوت‌های اخلاقی بیشتر تأکید می‌کند، اما این تأکید به معنای نفی تأثیر عواطف نیست. تأکید هافمن علی‌رغم توجه به شناخت‌ها (Hoffman 2000, 250) بیشتر به عواطف معطوف است. هایت، با تأکید بر عواطف، استدلال را نیازمند تلاش و استفاده از شواهد می‌داند که پس از انجام عمل اخلاقی برای توجیه آن به کار برده می‌شود و نه به عنوان سبب آن (کیلن ۱۳۸۹، ۱: ۹۲). توریل بر مبنای نظریه قلمرویی بر گونه‌شناسی قضاوت‌ها و دانش اجتماعی (Turiel 1985, vii) و گیلگان (Gilligan 2003, 2) بر نقش جنسیت تأکید می‌کند. برخی اندیشمندان نظیر داماسیو بر نقش تحولات زیست‌شناختی-عصب‌شناختی بدن در احساسات و سپس در عقلانیت تأکید می‌کنند که با درونی‌سازی ارزش‌های اجتماعی همراه می‌شود (Damasio 2003, 173). همچنین نوسباوم عواطف را مستتر در استدلال می‌داند (Nussbaum 1999, 72). دیدگاه رازی نفی جزیره‌ای‌انگاری این عوامل و کنار گذاشتن واگرایی آنهاست. او تأکید دارد که عامل آگاهی به سان عامل معرفتی نزدیک در صدور فعل است؛ اما در سامان‌دهی این آگاهی عوامل معرفتی و غیرمعرفتی مختلفی دخالت دارند. از این رو، آگاهی در تمامی افعال ارادی وجود دارد و از دست نمی‌رود؛ حتی در جایگاه‌هایی که هیجانات، نقش گروه‌های همسالان، تیپ شخصیتی، فعالیت‌ها و

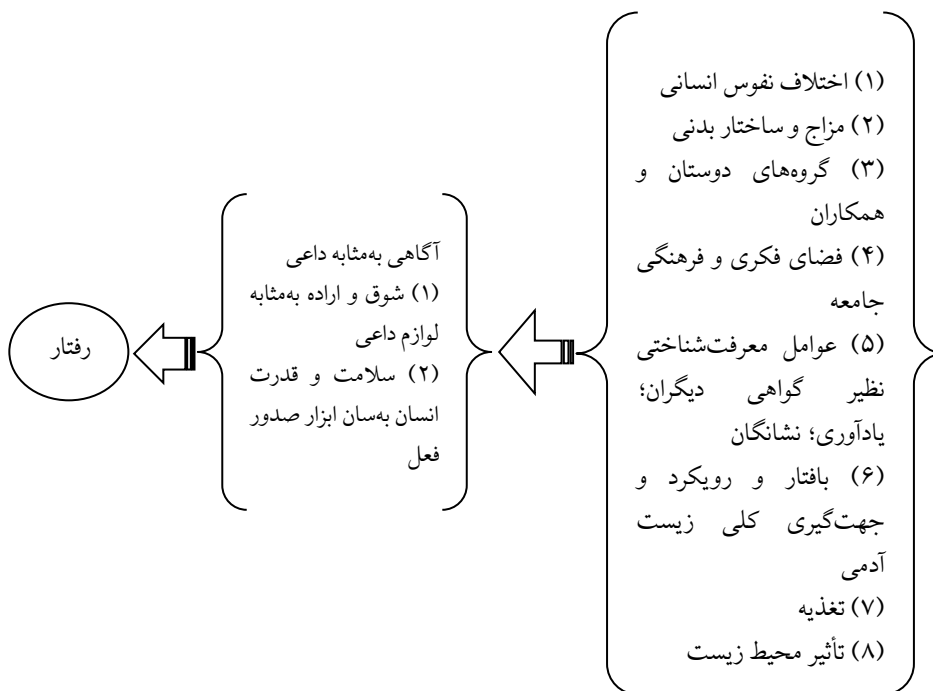
ساختار بدنی و مزاجی مختلفی را در صدور فعل به صورت پررنگ‌تر شاهد باشیم. همچنین دیدگاه رازی نسبت به دیدگاه‌هایی که مبادی رفتار را صرفاً در خلق و خویهای افراد می‌دانند که به صورتی آگاهانه و اختیاری به تدریج سامان یافته‌اند، یا دیدگاه‌هایی که صرفاً بر مسائل انگیزشی تأکید دارند، جامعیت دارد. نمودار زیر، دیدگاه رازی را به نمایش می‌گذارد.

تصویرسازی فخر رازی از صدور رفتار: (الف) داعی و قدرت به سان عوامل نزدیک به فعل و (ب) مؤلفه‌های پیشین تأثیرگذار بر آگاهی و صدور رفتار

صدور فعل

داعی و قدرت به مثابه
عوامل نزدیک به فعل

مؤلفه‌ها و عوامل پیشین تأثیرگذار
بر آگاهی و صدور فعل



۸. نتیجه گیری

فرآیند صدور رفتار در زمینه‌ها و دانش‌های مختلف نظیر فلسفه عمل، اخلاق، روان‌شناسی رفتار و... مورد بحث است. از این رو، نظریه‌پردازی در این ساحت زمینه را برای طراحی مطالعات بین‌رشته‌ای فراهم خواهد ساخت. در این جستار تلاش شد تصویرسازی فخر رازی از فرآیند صدور رفتار و مبادی معرفتی و عوامل غیر معرفتی تحلیلی مورد بررسی قرار بگیرد. مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار در اندیشه رازی برای صدور رفتار آگاهی است؛ آگاهی بر وجود خیر، لذت، کمال و سرور در ایجاد فعل. رازی آگاهی را به سان داعی بر فعل تحلیل می‌کند. گونه‌شناسی آگاهی نزد رازی اهمیت ویژه دارد و او آگاهی را مصبوغ به لذت و سرور و گاه کمال و خیر تصویرسازی می‌کند. در پی این آگاهی شوق و اراده حاصل می‌شود که رازی آنها را به سان لوازم شناخت تحلیل می‌کند و در صورت حضور قدرت به عنوان ابزار تحقق فعل، فعل صادر می‌شود. این مسئله، با توجه به دیدگاه رازی در عقل عملی که ساحتی متعلق به رفتار است، تحلیل شد و تصویرسازی‌های مختلف رازی از کارکردهای عقل عملی و چگونگی استنتاج و بهره‌وری آن از ساحت عقل نظری تبیین گشت. در ساحت اخلاق، فقدان آگاهی منجر به ردایل اخلاقی می‌شود، و رازی معتقد است آگاهی در صدور رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی نظیر رایگان‌بخشی و تنگ‌نظری، حسادت‌ورزی و گشوده‌نگری و... نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در گامی دیگر، رازی به تحلیل عوامل غیر معرفتی در ایجاد آگاهی می‌پردازد. این مؤثرات در دو ساحت کلامی-الهیاتی و فراکلامی تحلیل می‌شوند. شاخصه در ساحت نخست تأثیرپذیری آگاهی از وجود خداوند و خواست خدا و آگاهی خداست و این بر پایه دیدگاه‌های جبرگرایانه رازی تحلیل شد. اما فراتر از این ساحت، رازی در سطوح دیگری نیز به تحلیل پیش‌زمینه‌های مؤثر بر آگاهی می‌پردازد که به آنها در عنوان کلی سطح فراکلامی پرداختیم. او از مؤلفه‌هایی نظیر اختلاف ماهوی نفوس، رویکرد کلی و جهت‌گیری زیست انسان و مسئله درونی‌سازی، محیط، تغذیه، مزاج و ساختار بدنی، بافت اجتماعی و فرهنگی و گروه‌های همسالان و دوستان به مثابه عوامل غیر معرفتی در ایجاد آگاهی و نهایتاً صدور فعل یاد می‌کند. دیدگاه رازی نسبت به برخی دیدگاه‌ها در زمینه رفتار که یا عامل واحدی را مطرح می‌کنند و مورد تأکید قرار می‌دهند، یا عوامل غیر معرفتی را در کنار شناخت و آگاهی تحلیل می‌کنند و معتقدند در

مواقعی بدون شناخت، صدور فعل بر اساس عوامل غیرمعرفتی انجام می‌پذیرد، متمایز می‌شود. بر این اساس، نظریه فخر رازی در مورد صدور رفتار بر پایه آگاهی است و هیچ‌گاه آگاهی از رفتار قابل انفکاک نیست؛ و این دیدگاه ممتاز رازی در قیاس با سایر اندیشمندان معاصر نظیر کلبرگ، گلیگان، هافمن و پیاژه است. همچنین آگاهی هم‌ردیف عوامل غیرمعرفتی نیز نیست، بلکه عواملی بر ایجاد آگاهی تأثیرگذارند، و از این رو دیدگاهی است متفاوت با اندیشه‌هایی که بر هم‌ردیفی تأکید دارند. بازشناسی دیدگاه فخر رازی می‌تواند زمینه را برای رهیافت‌های سنجشگرانه پسین در عرصه‌های فلسفه عمل و رویکردهای روان‌شناختی-اخلاقی فراهم سازد.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
- ابن سینا. ۱۳۷۵. اشارات، در شرح اشارات خواجه طوسی. قم: نشر البلاغه.
- ابن سینا. ۱۳۷۹. النجاة. تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
- اسماعیلی، محمدعلی. ۱۳۹۱. «تسلسل اراده‌ها در افعال ارادی و راه‌حل‌های آن». کلام اسلامی ۸۱.
- بهمنیار. ۱۳۷۵. التحصیل. تصحیح استاد مطهری. تهران: دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. ریحی مختوم. ج. ۱. قم: اسرا.
- رازی، فخرالدین. ۱۴۰۶ ق. النفس و الروح و شرح قواهما. تحقیق دکتر معصومی. تهران: افست.
- رازی، فخرالدین. ۱۴۱۱ ق. المباحث المشرقیه. قم: بیدار.
- رازی، فخرالدین. ۱۴۲۰ ق. تفسیر مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- رازی، فخرالدین. ۱۹۸۶. الأربعین فی اصول الدین. قاهره: مکتبه الکلیات الأزهریه.
- رازی، فخرالدین. بی‌تا. الهیات الملخص. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ثبت ۳۹۲۱.
- رازی، فخرالدین. ۱۴۰۷ ق. المطالب العالیه من العلم الإلهی. تصحیح حجازی سقا. بیروت: دارالکتب العربی.
- صفری، محمود، و دیگران. ۱۳۸۷. «نقش عوامل جغرافیایی در رفتار انسان». سرزمین ۱۸.
- غفاری، حسین، و مریم سادات زیارتی. ۱۳۹۴. «توحید افعالی و رابطه آن با فعل اختیاری انسان».

آموزه‌های فلسفه اسلامی ۱۷.

کاوندی، سحر، و طیبه شاددل. ۱۳۹۲. «تأثیر عوامل جغرافیایی بر اخلاق». اخلاق زیستی ۹. کیلن، ملانی، و جودیث اسمتانا. ۱۳۸۹. رشد اخلاقی. ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده و دیگران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ملاصدرا. ۱۳۸۱. المبدأ و المعاد. به اشراف سید محمد خامنه‌ای. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

ملاصدرا. ۱۳۸۳. الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

ملاصدرا. ۱۹۸۱. اسفار اربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نقره‌کار، عبدالحمید، و دیگران. ۱۳۸۹. «بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع». آرمان شهر ۵.

Atkins, R., and D. Hart. 2003. "Neighborhoods, adults and the development of civic identity in urban youth." *Applied developmental science* 7(3).

Damasio, Antonio. 2003. *Looking for Spinoza: Joy, Sorrow, and the Feeling Brain*. Harvest.

Gilligan, Carol. 2003. *In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development*. Cambridge, Massachusetts, and England: Harvard University Press.

Hoffman, Martin, L. 2000. *Empathy and Moral Development: Implications for Caring and Justice*. Cambridge, England: Cambridge University Press.

Kohlberg, Lawrence. 1984. *The Psychology of Moral Development: The Nature and Validity of Moral Stages (Essays on Moral Development, Volume 2)*. Harper & Row.

Nussbaum, M. C. 1999. *Sex and Social Justice*. New York: Oxford University Press.

Piaget, J. 1948. *The moral judgement of the child*. Translated by Marjorie Gabain. Free press.

Turiel, Elliot. 1985. *The Development of Social Knowledge: Morality and Convention (Cambridge Studies in Social and Emotional Development)*. Cambridge University Press.

Whiting, B. B. and C. P. Edwards. 1988. *Children of different worlds*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

یادداشت‌ها

۱. «پیش‌انگاره» معانی متفاوتی دارد، از وهم و خیال و فرض تا الگو و پارادایم. واژه پیش‌انگاره از واژه‌هایی نظیر «عوامل» مناسب‌تر است. پیش‌انگاره اشاره به مجموعه‌ای از عوامل‌ها، دلایل، زمینه‌ها، بسترها و فرضیه‌ها دارد و دارای حیثیت آزمون و خطایی و ویژگی مواجهه انتقادی با «تعامل فاعل شناساواقعیت» است. پیش‌انگاره می‌تواند معرفتی یا غیرمعرفتی باشد.

۲. رازی (۱۴۰۷، ۹: ۴۰) قوه محرکه اعضاء را سلامت مزاج و اعتدال بنیه نیز می‌نامد.

۳. این امر برآیند شخصیت فاعل و نوع مواجهه او با پدیده‌هاست.

۴. در خصوص اختلاف نظر اندیشمندان مسلمان درباره عقل نظری و عملی و ارتباط آنها با افعال که می‌توان آنها را در سه نوع نظریه قرار داد، نک. نظریه اول: بهمنیار (۱۳۷۵، ۷۸۹)، جوادی آملی (۱۳۸۶، ۱: ۱۵۳)، قطب رازی (۱۳۷۵، ۲: ۳۵۳)؛ نظریه دوم: فارابی (۱۴۰۵، ۲۹، ۵۱، ۵۴)، ابن سینا در نجات (۱۳۷۹، ۳۳۰ به بعد)، ملاصدرا (۱۹۸۱، ۸: ۱۳۰؛ ۱۳۸۱، ۲: ۴۳۲)؛ نظریه سوم: ابن سینا در شرح اشارات (۱۳۷۵، ۲: ۳۵۲).

۵. نشانگان در بافت معرفت‌شناسی مورد نظر رازی نقش قابل‌تأملی در پدید آمدن ساحت ظن و نهایتاً تولید تولید یقین دارند. منظور از نشانگان در اندیشه رازی ریزمولفه‌های معرفتی تشکیل آگاهی ظنی است که با انباشت آنها آگاهی ظنی و نهایتاً با انباشت آگاهی‌های ظنی دانش یقینی تولید می‌شود.